



عید فطر و حس عمومی مردم

# عید: یادآوری ساعت شادی و امید

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



چند وقت پیش ویدیویی درباره شادمانی آدم‌ها دیدم، زمانی که می‌فهمند دوست، خواهر، برادر یا فرزندشان در یک دانشگاه خاص پذیرفته شده، لحظه انتظار آگاهی به این خبر خوش را در کنار هم هستند و لحظه فهمیدنش هم از شوق و شادمانی، یکدیگر را در آغوش می‌گیرند، اشک شوق می‌ریزند و بلند بلند می‌خندند. در سریال «پوست شیر» هم وقتی که در تماسی به مادر ساحل گفته شد که قاتل ساحل دستگیر شده، از میزان شوق و شادی شنیدن این خبر، نیازمند این بود که کسی را در آغوش بگیرد و او را در این شادی سهیم کند. اگر چه این نوشته را از قصه‌های فردی و تلخ و شیرین شروع کردم، اما خواستم بگویم که ما آدم‌ها برای اینکه بهتر بتوانیم غم و شادی را درک و دریافت کنیم، به اشتراک گذاشتن آن با بقیه نیاز داریم. به در جمع و اجتماع بودن نیاز داریم. اصلاً بعضی چیزها شکل گرفته، تبدیل به تاریخ و یادمان شده که ما را دور هم جمع کند. این دور هم جمع شدن، شادی و امید بازتولید می‌کند و اگر چه یک مسأله ساده و معمولی است، اما آدم‌ها را در مسیر رشدشان یک گام به جلو می‌برد. یکی از این شادی‌های جمعی در تولدها، عیدها و مناسبات مختلف تاریخی به وجود می‌آید. عید فطر، یکی از همین جشن‌هاست.

قبل از اینکه درباره عید فطر و اینکه چطور می‌تواند شادی و امید را در میان جامعه ما بازتولید کند گفت‌وگو کنیم، می‌خواهم درباره قانون عمومی ارتباط و در اجتماع، جامعه و در جمع بودن حرف بزنم که با بعد «تعامل» در سبک زندگی مرتبط است.

## قانون عمومی ارتباط در جشن و شادی

در دین ما یک قانون عام الهی درباره ارتباط با همه مردم وجود دارد و آن نیکی کردن است. مکرراً گفته شده «آنطور که خدا به ما نیکی کرده، ما هم با مردم نیکی کنیم.» «با مردم به نیکی سخن بگوییم.» «اگر نیکی و احسان کرده‌ایم، در واقع به خودمان نیکی کرده‌ایم.» «آنان که کارهای نیک انجام داده‌اند در زندگی دنیا و آخرت نیکی و خوشی می‌بینند.» «... یکی از فضاها و زمان‌هایی که فرصت و امکان نیکی کردن و به دنبال آن شادمانی و حس و حال خوب می‌آید، حضور در جشن‌ها و شادی‌های عمومی است.

یکی از این قوانین عمومی ارتباط در مسیر نیکی کردن، خوشخویی است. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «مؤمن پس از واجبات، در پیش خداوند، عملی محبوب‌تر از خوش رفتاری با مردم ندارد.» این نشان می‌دهد که تفکر و انتخاب خوش رفتاری و به تبع آن شادی و شادی آفرینی به قدری ارزشمند، اثرگذار و مهم است که بارها در اشکال مختلف به آن توصیه شده است. حتی اگر این توصیه‌ها را فاکتور بگیریم، باز هم می‌بینیم که خود ما فطرتاً طالب و خواهان خیر، خوبی و خوشحالی هستیم و چون این حس، بدون حضور دیگری یا دیگران، بروز و نمود کامل پیدا نمی‌کند، پس به این نیاز داریم که با بهانه‌های مختلف مانند جشن‌ها و مراسم شاد جمعی، خوش رفتاری باشیم، خوش رفتاری ببینیم، خیر برسانیم و خیر ببینیم. لبخند، انتقال حال خوب، بروز شادی و هرکاری را که فکر می‌کنیم باعث خلق و بازتولید شادی می‌شود می‌توان انتخاب کرد و به آن عمل کرد و اثر دومینویی آن را دید.

## آیا جشن‌ها و آثار آن با هم فرق دارد؟

درباره شادی، جمعی بودن و انتخاب زندگی شاد با

انجام کارهای خیر و نیک مانند همین خوش رفتاری نوشتیم. باید بگویم که همین احساس در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف و همچنین در بازه‌های زمانی مختلف با هم تفاوت دارد. مثلاً می‌دانم که عرب زبان‌های خوزستانی، عید فطر را مفصل و در حد و اندازه عید نوروز جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند. بنابراین بسته به ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، جشن‌ها و آثار آنها در میان مردم و همچنین نوع تصویری که رسانه از اعیاد مختلف نشان می‌دهد، کم و کیف آثار این جشن‌ها و اعیاد با هم تفاوت دارد. مثلاً بازتاب عید نوروز، خانه‌تکانی، «خانوادگی» و جمعی بودن نوروز، دید و بازدیدها، خریدهای نوروزی، دورهمی‌ها و غیره در رسانه و همچنین آمدن فصل بهار و شروع رشد و شکوفه زدن درختان و نمادهای مختلف شاد، رنگارنگ و پرمنایی که سفره هفت‌سین دارد، از این عید و جشن یک جشن عمومی- ملی خلق کرده که به واسطه آن در یک بازه حدوداً یک ماهه تمام ایرانیان در هر وضعی که در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند، به هر حال شادی را تجربه می‌کنند و تمایل دارند که آنها هم در این جشن‌ها همگانی حضور داشته باشند. نکته‌ای که مهم است اینکه تمام جشن‌ها با وجود تفاوت‌هایی که دارند، آدم‌ها را دور هم جمع می‌کنند و این جمع شدن همراه با شادی، خیر رساندن، خندیدن و نیکی است. اینطور به نظر می‌رسد که با آمدن جشن‌های مختلف، آدم‌ها نمی‌توانند شاد نباشند. حتماً شادی را تجربه می‌کنند و حتماً حتی برای یک لحظه هم که شده «امید» را در وجود خود و دیگران خلق می‌کنند. نوشتن برنامه برای سال جدید و یا شکرگزاری در عید فطر و طلب بخشش از خداوند برای شروع جدید، همگی نشان‌دهنده این است که این جشن‌ها با خود امید و شادی جمعی می‌آورند.

## نیازمند تجربه دوباره خنکی مَهر نماز عید فطر

از تجربه زیسته شادی جمعی که بخواهم بگویم، باید به سال‌هایی برگردم که در خانه پدری بودم. همان وقتی که غروب روز آخر ماه مبارک بعد از اذان مغرب از میان پنجره دنبال ماه می‌گشتم و وقتی تلویزیون اعلام می‌کرد که عید فطر است، از شوق و شادی آمدن عید، چادر و مهر و جانماز را در کیف‌مان می‌گذاشتم که فردا صبح به میدان شهر برویم و با مردم نماز عید بخوانیم. فرقی نداشت در کدام فصل بودیم، مهر نماز عید فطر همیشه خنک بود. بغض و شادی ناشی از بندگی و عبادت مردم در قنوت‌های نمازشان همیشه شنیدنی و قابل لمس است. نان تازه و پنیر و چایی تازه دمی که هر خانواده همراه خود داشت و بعد از نماز با بقیه تقسیم می‌کرد، همیشه خوشمزه‌ترین صبحانه بود. حتی بزرگترها به روزه‌اولی‌ها عیدی و جایزه می‌دادند. اغلب ناهار عید فطر با اقوام، دور هم جمع می‌شدیم. نمایش تصاویر کل و موسیقی‌های شاد تلویزیون، حس شادی را منتقل می‌کرد و روز جشن تصمیم می‌گرفتم که نمازمان را اول وقت بخوانیم، اسراف نکنیم، با هم خوش رفتار باشیم، به فقرا کمک کنیم و بسیاری تصمیم‌های خوب دیگر. همه اینها در خود شادی، خوش خلقی، نیکی و امید دارد و این فقط از یک امر جمعی با محوریت شادی بر می‌آید؛ کاری که اعیاد و جشن‌های مختلف دارند انجام می‌دهند و همه ما با فطرتی که داریم، تمایل داریم در گوشه‌ای از این جشن‌ها قرار بگیریم.

## همه در یک کوبه قطاریم

چند شب پیش که به باغ کتاب رفتیم، برنامه‌ای در بخشی از سالن اصلی در حال برگزاری بود. چند دختر بچه با لباس‌های محلی شعر و ترانه خواندند، شعبده‌باز آمد و برنامه اجرا کرد، کم‌دین آمد و مردم خندیدند، مجری مسابقه برگزار کرد و لیخند به لب‌های مردمی که نشسته و ایستاده بودند،

صبح به میدان شهر برویم و با مردم نماز عید بخوانیم. فرقی نداشت در کدام فصل بودیم، مهر نماز عید فطر همیشه خنک بود. بغض و شادی ناشی از بندگی و عبادت مردم در قنوت‌های نمازشان همیشه شنیدنی و قابل لمس است. نان تازه و پنیر و چای تازه دمی که هر خانواده همراه خود داشت و بعد از نماز با بقیه تقسیم می‌کرد، همیشه خوشمزه‌ترین صبحانه بود.

